

فرض بگیریم این مبلغ صرف خود مجموعه، بازسازی و یا بروزرسانی آن می‌شود. همه می‌دانیم تمامی این هزینه‌ها از گذشته در بودجه و مقرری‌ها حساب شده و مشخص است.

آرمان طیران (کارشناس و پژوهشگر تئاتر): چرا هیچ کس تا بحال حرفی نزده است؟

در وهله اول باید بگویم که این کار حتی اگر بر اساس قانون باشد، به ذات قانونی نیست! بنابراین فارغ از بحث قانونی یا غیر قانونی، رویه، کاملاً یک رویه غیر منطقی است. وقتی آورده‌ای توسط دولت برای حمایت به تئاتر عرضه می‌شود، چرا محصول باید بخشی از درآمدزایی خود را دوباره به دولت برگرداند؟ آن هم در شرایطی که دولت مدعی است و اعلام می‌کند که از هنرمندان حمایت می‌کند و یا مالیاتی از هنرمند نمی‌گیرد، کما اینکه بعضی جاها مالیات هم گرفته شده است. مسئله بعدی این است که پس از آنکه این ۲۰ درصدها اخذ شده‌اند، آورده مجموعه هنرهای نمایشی برای هنرمندان چه بوده، در کجا هزینه شده است؟ سوبسید به چه گروه‌های تعلق می‌گیرد؟ آیا اصلاً این پول به صورت مرسوم به چرخه تولید تئاتر کشور برمی‌گردد؟ یعنی این مبلغ، همان هزینه‌ای است که به گروه‌ها بابت کمک هزینه و سوبسید پرداخت می‌شود؟ اگر اینگونه هست، پس آن بودجه‌ای که دولت برای پرداخت به امورات تئاتری در مجلس تصویب کرده به کجا می‌رود؟ به نظر بنده بعید است که این مبالغ دوباره به چرخه تولید تئاتر برگردد و باید پرسید که این مبلغ طی چه قاعده و قانونی بر درآمدهایی که به تئاتر داده شده، اضافه می‌شود؟ و حالا که اضافه شده کجا و چگونه هزینه می‌شود؟ همه می‌دانیم ساختمان دولتی تمام هزینه‌های مصرفی خود را به صورت سالیانه از دولت دریافت می‌کند. این دست مسائل تنها مربوط به تئاتر شهر نمی‌شود، هر مجموعه هنری دیگر، که از این آبشخور بهره می‌برد باید پاسخگو باشد. بهر حال این درصدها و کسری‌ها همچنان گنگ است و سوال مهم‌تر اینکه این رویه از چه زمانی بر هنرمندان تحمیل شده، آیا همیشگی بوده و ما جدیداً متوجه این موضوع شده‌ایم! اگر این اتفاق از قبل بوده، چرا هیچ کس از آن موقع تا بحال حرفی نزده است؟ مطمئناً این اتفاق خلق‌الساعه نبوده و پیشین و برینی دارد، حتماً از زمانی شروع شده و در سکوت تصمیم‌گیری هایش صورت گرفته است. البته چنانچه فرض بگیریم که این ۲۰ درصدها به انجمن نمایش برمی‌گردد و به صورت کمک هزینه به گروه‌های مختلف پرداخت می‌شود، می‌توان کمی درباره آن تأمل کرد که شاید اتفاق مناسبی باشد، اما باز این سوال پیش می‌آید، که اگر گروهی فروش نداشته باشد و یا اگر گروهی هزینه کرده‌ایش بیشتر شده باشد، چرا گروه‌های دیگر با دادن درصد از فروش بلیت خود آن را متحمل شوند؟

مهرداد کوروش‌نیا (نویسنده و کارگردان تئاتر): تفاوت سالن خصوصی و دولتی در کجاست؟

وقتی دولت کمک مالی و سوبسید مشخصی را به گروه‌های نمایشی اختصاص نمی‌دهد، حداقل انتظار می‌رود که سالن‌های دولتی را کاملاً به صورت رایگان در اختیار گروه‌ها قرار دهد تا در واقع این خدمات به عنوان سوبسید و کمک مالی برای فعالان این حوزه لحاظ شود. سوال این است که وقتی سالن دولتی این ۲۰ درصد را می‌گیرد دیگر تفاوتش با سالن خصوصی در چیست؟ سالن خصوصی هم با اندکی بیشتر تقریباً همین رویه را پیش گرفته است. درباره اینکه این کار قانونی هست یا خیر باید بگویم که ما در ایران برای هر چیزی که بخواهیم می‌توانیم راهکار قانونی پیدا کنیم. با یک قرارداد فی مابین بین یک مجموعه دولتی و موسسه خصوصی و واگذاری بخشی از کارکردهای مجموعه، به راحتی می‌توان یک مجموعه دولتی را به نیمه دولتی تغییر داد. به این صورت وقتی ما به چنین رویکردی اعتراض می‌کنیم، جوابیه می‌آید که به طور مثال تئاتر شهر با بنیادی قرارداد داشته است و اختیار تمامی سالن‌های خود را مثلاً تا ۱۰ سال به آن موسسه و یا بنیاد خصوصی واگذار کرده است. به این صورت برای هر رویه می‌توان راهکارهای قانونی ایجاد کرد. به همین دلیل به نظرم نباید وارد این مسائل شد و تنها نکته‌ای که می‌توان آن را بی‌گرفت این است که وقتی دولت بودجه ندارد که به گروه‌های نمایشی سوبسید دهد حداقل این سالن و مراکز را به صورت رایگان در اختیار گروه‌ها قرار دهد و درصدی از فروش گیشه را بر ندارد. مسئله بعدی اینکه در همین شرایط نیز، درآمد حاصل از فروش گیشه را با تاخیر زیاد به گروه‌ها پرداخت می‌کنند! فرض کنید نمایشی که یک میلیارد تومان فروش گیشه داشته است، وقتی این مبلغ را پس از یک ماه دریافت می‌کند، در این مدت چقدر سود بانکی به یک میلیارد تعلق گرفته است، فارغ از آنکه گروه‌ها پس از این همه زحمت شبانه‌روزی منتظر درآمد خود هستند؟



خانه‌نشین خواهد کرد. البته من از اجرای خود در تماشاخانه ایران‌شهر که با مدیریت آقای نیلی بود بسیار راضی بودم. مجموعه و مدیریت در طول اجرا بسیار به ما کمک کردند. اما شهرداری که موسس این تماشاخانه است هیچ کمکی به گروه نداشت و حتی یک تبلیغ ساده نمایش را نیز از گروه دریغ کردند، در صورتی که قبل‌تر با شهرداری صحبت‌هایی داشتیم و قول داده بودند از نمایش با توجه به مضمونی که داشت، حمایت کنند. به نظر می‌آید هرچه سریع‌تر کار گروهی برای نظارت بر هزینه‌ها و اجاره بهای سالن‌ها از طرف شهرداری، مرکز هنرهای نمایشی و سایر ارگان‌های ذی‌ربط به صورت مشترک تهیه شود تا با بررسی دقیق مسئله، ابعاد منطقی بودن آن مشخص شود. در حال حاضر در اجرای کنسرت نمایش «کلنل» که در تالار وحدت بر روی صحنه است و من بازیگر آن هستم، معضل اجاره بهای سالن کار را برای همه ما سخت کرده است. به همین دلایل است که من هم از اجرای نمایش خود در تالار حافظ، انصراف داده‌ام. در اجرای نمایش «طیب» که در تماشاخانه ایران‌شهر به اجرا بردم، به بازیگر خود تنها توانستم ۱۲ میلیون دستمزد بدهم و خود به عنوان کارگردان و همچنین نویسنده حتی یک هزار تومانی برداشت نکردم.

آروند دشت‌آرای (کارگردان تئاتر):

هیچ کس به صورت شفاف و مشخص نمی‌داند

بنده خود این موضوع را مطرح کردم و متأسفانه همچنان هیچ کس به صورت شفاف و مشخص نمی‌داند که این کسر ۲۰ درصدی از فروش بلیت‌های نمایش در کجا هزینه می‌شود؟ حداقل درباره تئاتر شهر اطمینان دارم که این مبلغ مستقیماً به حساب انجمن و مرکز هنرهای نمایشی می‌رود و صرف هزینه‌های دیگر می‌شود و اگر

خصوصی هم که دیگر کاملاً مشخص است، سالن‌های خصوصی شرایطی را بوجود آوردند که اصلاً نمی‌شود در این سالن‌ها حتی نفس کشید چه رسد به اینکه بخواهی در یک سالن خصوصی تئاتر اجرا ببری؟ تالار حافظ یک مجموعه نیمه دولتی است که زیر نظر بنیاد رودکی کار می‌کند، این سالن هر شب از گروه‌های نمایشی ۶ میلیون تومان اجاره می‌گیرد! این میزان اجاره بها برای گروه‌های نمایش معضل بزرگی است، همان‌طور که گروه نمایشی که بنده کارگردانی آن را بر عهده دارم و قرار بود این اجرا را در تالار حافظ به روی صحنه ببریم، بعد از شنیدن این میزان از اجاره بهای سالن، با در نظر گرفتن سقف بودجه گروه، ناگزیر از اجرا انصراف دادیم. وضعیتی را بوجود آورده‌اند که کارگردانان برای ادامه به تهیه‌کننده‌های خصوصی روی آورده‌اند که آن هم ضربه بزرگی بر پیکره تئاتر وارد کرده است. چرا که تهیه‌کننده تنها نگران بازگشت سرمایه خودش است و نفس و ذات هنر چندان برایش اهمیت ندارد. در شرایط فعلی در تئاتر ایران، دو گروه در حال فعالیت هستند، کسانی که رابطه دارند و می‌توانند با استفاده از روابط خود موانع را بردارند و کسانی که پول دارند و با پول موانع را حل می‌کنند. در ادامه باید بگویم کاش همه چیز به همین ۲۰ درصد ختم می‌شد، از میزان فروش بلیت نمایش ۲۰ درصد سهم سالن دار، ۱۰ درصد سهم تیوال و ۹ درصد ارزش افزوده نیز کسر می‌شود! و در انتها تنها ۶۰ درصد سهم گروه است! آن هم در سالن دولتی! در سالن خصوصی هم که تمام فروش نمایش را باید به سالن‌دار تقدیم کنیم! همه اینها به بنده اصلی و مسیر درست تئاتر کشور لطمه‌های سنگینی وارد می‌کند. با این روند فکر می‌کنم تا اواخر سال ۱۴۰۳ فقط عده‌ای خاص هستند که می‌توانند در حوزه تئاتر فعالیت کنند. روندی که کارگردانان باسواد و تجربه دیده نمایش را